

## عنوان مقاله:

گونه شناسی مکان و مناسبات سوژه با آن در گفتمان تصوف؛ مطالعه موردی میراث صوفیانه ابوسعید ابوالخیر

## محل انتشار:

پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، دوره 9، شماره 4 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

## نویسندگان:

محمدرضا صالحی مازندرانی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

نصر الله امامی - استاد بازنشسته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

قدرت قاسمی پور - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

محمدعلی بیدلی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

## خلاصه مقاله:

مقوله مکان و گونه شناسی آن و مناسبات سوژه و مکان، درون گفتمان‌های گوناگون و در ژانرهای متفاوت قابل بررسی است. ما در این پژوهش، امر مذکور را درگفتمان تصوف کار بست داده‌ایم. و در این خصوص با مطالعه مقامات های ابوسعید، نیشابور را به عنوان مکان گسترده و خانقاه را به مثابه مکان کانونی گفتمان انگاشته‌ایم. و نشان داده‌ایم نیشابور قبل از حضور ابوسعید، دارای ساختار شهری و پیوست معنایی و مکانی «پیوستاری» است. تکثر فرهنگی، حضور سایه‌ای گفتمانی ادیان، درکنار گفتمان غالب شریعت محور، نیشابور را به ترامکان، فراشهر و مکانی «پدیداری» مبدل کرده است. حضور تمایز آفرین ابوسعید در نیشابور در شکل پیوستاری و کاربردی عناصر شهری تصرف می‌کند؛ و در ادامه شهر را به مکان منازعه با زنجیره‌ای از هویت های هم ارزگفتمان‌های قطب مخالف بدل می‌کند. و «نا-پیوستاری مکانی» رقم می‌خورد. نگرش نوبنیاد ابوسعید به تصوف و پیدایش و زایش گفتمانی نو، نیشابور را دچار زایشی مجدد کرده است. فاعلیت سوژه در مکان، مرجعیت مکانی را «باز پردازی» کرده و حاکمیت گفتمان شریعت‌مدار را کمرنگ نموده و سایه خانقاه را بر مسجد انداخته است. خانقاه درمسیر تغلب گفتمانی به عنوان کارگاه تربیت صوفی، مکانی شبکه‌ای-القایی است که در آن، بین مقام نفسی صوفی با مکانش در خانقاه قید تساوی بر قرار است. و چیدمان معماری خانقاه برابر با چیدمان هندسه قدرت گفتمان صوفیه است. ما سه گونه مناسبت بین سوژه و مکان برشمرده‌ایم: وقتی که تنها وجه معنایی مکان بستر جریان یابی حکایت است، سوژه بر آن غالب است. گاهی وجه زاینده مکان به سوژه معنا و تشخیص می‌دهد که تا قبل از آن فاقد آن بوده است، در این حالت مکان بر سوژه غالب است نمونه آن بسط روحی ابو سعید پس از حضور بر مزار ابوالفضل سرخسی است. نوع سوم که به نظر می‌رسد تازگی دارد؛ زمانی است که قصد سوژه و مکان معنا دهی و معنا یابی است، نه غلبگی مطلق. دراین نوع عامل تعامل یا عینی است یا ذهنی. فاعلیت ابوسعید در همه این تصرفات و تغییرات در هویت و نوع مکان، غلبگی و تعامل مکانی، تمهیدی برای گسترش، انتشار و ورودگفتمان نوپدید به مناسبات قدرت است.

## کلمات کلیدی:

گونه شناسی مکان، گفتمان تصوف، ابوسعید، نیشابور، خانقاه

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1211708>



